

صمد مطلبی اصل
samatlabi@yahoo.com

مدیریت برفرایند خصوصی سازی در نظام بانکی

چکیده

یکی از اصول اقتصاد پویا و همچنین از پیش فاکتورهای توسعه اقتصادی کشورهای پیشرفته دنیا "خصوصی سازی" است. خصوصی سازی فرایند سپردن اولویتها به دست مکانیزم بازار و بازارگرا کردن آنها است و طیف گسترده‌ای را شامل می‌شود که یک سوی آن خصوصی سازی کامل و سوی دیگر تجدید ساختار بنگاههای تحت مالکیت دولت است. در نظام بانکی این امر نیازمند اصلاح ساختارمالی و اداری، تعدیل نیروی انسانی و بکارگیری نیروی توانمند، حذف با کنار آمدن با قوانین و مقررات دست و پاگیر دولتی و ... است که تنگناهای عمده اقتصادی موجود را رفع یا تعدیل نماید و در نهایت موجب افزایش کارایی اقتصادی شود. این امر مستلزم مدیریت کارآمد است. در این مقاله سعی شده است، ضمن تشریح اصول و اهداف اساسی برای موفقیت در فرایند خصوصی سازی، عوامل و معیارهایی که اصلاح و یا کنترل (مدیریت) آنها شرایط پیاده سازی موفقیت‌آمیز این فرایند در سیستم بانکی را فراهم می‌آورد، تشریح شود.

مقدمه

مهم ترین عامل زیرساز در طراحی سیاستهای توسعه اقتصادی یک کشور، تعیین حدود و برجستگی نقش بخش عمومی و خصوصی در فرایند تحولات اقتصادی است. بنابراین قبل از انتخاب سیاستهای گوناگون توسعه باید چارچوب این حوزه ها تعیین و وزن هر بخش در انواع فعالیتهای اقتصادی مشخص شود. تعیین وزن هر بخش در هر نوع فعالیت به عوامل متعدد داخلی و خارجی بستگی دارد که اهم آنها عبارتند از: ایدئولوژی حاکم و اهداف مورد نظر دولت، شرایط اقتصادی جهان و قطب بندیهای آن، ظرفیت و تواناییهای بخش عمومی و خصوصی کشور و درجه توسعه یافتگی اقتصاد (عرب مازار، ۱۳۷۴).

از طریق خصوصی سازی و ایجاد محیط رقابتی می‌توان تولید کننده را مجبور به تولید و فروش با قیمت حداقل کرد. مزیت بخش خصوصی این است که از طریق رقابت - و نه مقررات کنترل کننده - می‌توان آن را تحت فشار قرارداد تا محصول را با قیمت حداقل تولید کند. این امر در ساختار دولتی

و اهداف مختلف خصوصی سازی است ارائه شده که به برخی از اهم آنها در زیر اشاره می‌شود:

۱- خصوصی سازی اصطلاحی فراگیر و متنوع است که به واگذاری کنترل عملیاتی و یا مالی موسسات در مالکیت دولت به بخش خصوصی منجر می‌شود و همراه مالکیت، "قدرت" نیز به مردم منتقل می‌شود (پروکینکو، ۱۳۸۰).

۲- خصوصی سازی انتقال مالکیت موسسه دولتی به موسسه مستقل خصوصی است (یک انتقال جزئی که مالکیت دوگانه نامیده شده است) (نووتنی، ۱۹۹۹).

۳- خصوصی سازی مجموعه اقدامات و گامهایی است که روش تبدیل مواد خام به کالای مصرفی را تغییر می‌دهد. این فرایند شامل حذف اثر و کنترل دولت و جایگزینی آن با فعالان بخش خصوصی است (دوکاس و دیگران، ۱۹۹۸).

چارچوب اقتضایی خصوصی سازی تجربه خصوصی سازی در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که دو عامل اصلی

امکان پذیر نیست. بنابراین خصوصی سازی منجر به کاهش هزینه ها و رشد نوآوری و در نتیجه کاهش قیمت کالاها می‌شود. از سوی دیگر، تورم به دلیل فشار هزینه کنترل می‌شود و جامعه از آن سود می‌برد و البته امکان صادرات هم فراهم می‌شود زیرا کالایی قابل صدور است که به قیمت رقابتی تولید شود (بهکیش، ۱۳۸۱).

مفهوم خصوصی سازی

خصوصی سازی را می‌توان تلاشی در جهت پررنگ کردن نقش بازار در مقابل تصمیم‌های دولت به عنوان کارگزار اقتصادی دانست (بهکیش، ۱۳۸۱). در واقع مفهوم خصوصی سازی گسترده تر از تغییر صرف مالکیت بنگاههای تولیدی است. اندیشه اصلی در تفکر خصوصی سازی، حاکم کردن مکانیزم بازار بر تصمیم های اقتصادی است که نتیجه آن ایجاد فضای رقابتی برای بنگاههای خصوصی بوده و از این طریق کارایی بنگاهها نسبت به بخش عمومی ارتقا پیدامی‌کند. برپایه این ایده، تعاریف، مفاهیم و تئوری‌های متعددی که در برگیرنده ابعاد

موثر در خصوصی سازی وجود دارد:

۱- طبیعت بازار

۲- شرایط کلی کشور

در کشورهای که ظرفیت قانونی پایین دارند یا در بازارهایی که گرایشهای ذاتی به محدودیت برای رقابت از خود نشان می دهند، خصوصی سازی مشکل تر است و برعکس هرچه بازار برای موسساتی که منتقل خواهند شد، رقابتی تر باشد، و هرچه محیط کلان اقتصادی بهتر و ظرفیت قانونی کشور بالاتر باشد، احتمال موفقیت برای خصوصی سازی بیشتر خواهد بود.

هرچه شرایط بازار و شرایط کشور بدتر باشد، نیاز برای به تعویق انداختن خصوصی سازی - تا زمانی که مسائل و مشکلات حل شود - بیشتر است. در کشورهای در حال توسعه با درآمد پایین، که ظرفیتهای قانونی تعریف شده آنها، پایین است، بازارهای سرمایه ضعیف هستند و علاقه سرمایه گذاران عمده خارجی کم است. فروش موسسات دولتی حتی در بخشهای رقابتی ممکن است مشکل باشد و تدابیر خصوصی سازی موقت مانند قراردادهای مدیریت و اجاره ها باید به عنوان یک گزینه اصلی جایگزین انتقال یکجا شوند. به همین صورت زمانی که خصوصی سازی موسسات در بازارهای غیر رقابتی مطرح می شود - معمولاً موسسات دولتی که بعنوان انحصارات طبیعی مانند عرضه آب، برق و تلفن فعالیت می نمایند- باید یک سیستم قانونی و حقوقی برای حمایت از مصرف

کنندگان وجود داشته باشد.

روشهای خصوصی سازی

به طور کلی خصوصی سازی طیف گسترده ای را شامل می شود که یک سوی آن خصوصی سازی کامل و سوی دیگر تجدید ساختار بنگاهها تحت مالکیت دولت است (مکین تاش، ۱۳۷۸).

خصوصی سازی - از معنی محدود خود یعنی بستن قرارداد با شرکتهای - فرایندی را طی نموده که در آن کالاها و خدماتی که هم اکنون بخش دولتی هزینه آنها را تامین می کند و به مردم ارائه می نماید، یا چگونگی پرداخت هزینه آنها، یا چگونگی ارائه آنها به بخش خصوصی منتقل شده است (لويس، ۱۹۹۶).

در چارچوب ۲ از جدول ۲، تهیه کالا یا خدمت در دست دولت باقی می ماند اما در این حالت، هریک از مصرف کنندگان باید مبلغی را جهت مصرف آنها (که قبلاً رایگان بود) پرداخت نمایند.

در چارچوب ۳، دولت کوپنی را منتشر می کند و به افراد می دهد که می توانند برای خرید کالاها و خدمات مشخص هزینه نمایند.

بستن قرارداد با شرکتهای چارچوب ۴، واژه مرسوم جدیدی برای مناقصه و مزایده است. که در این حالت شرکتهای خصوصی جهت ارائه خدمات یا کالاهایی به قیمت دولتی، پیشنهاداتی را به دولت می دهند.

چارچوب ۵، بین دادن امتیاز و کاستن از

فشار مسئولیت تقسیم می شود. در مورد "کاستن از فشار مسئولیت"، دولت خود را کاملاً از صحنه خارج می کند و برای مدت طولانی کالا یا خدماتی را ارائه نمی کند ولی برای ورود مجدد به زمینه ارائه، آزاد است. در "واگذاری امتیاز"، مثل مورد قبلی، دولت درگیر تهیه یا تامین خدمت نیست. اما همانند بستن قرارداد، دولت قرارداد انحصاری با یک عرضه کننده منعقد می نماید و او را برای مدت معینی ملزم به ارائه خدمت می کند.

خصوصی سازی در نظام بانکی

خصوصی سازی بانکها جزء بزرگترین چالشهایی است که بیشتر دولتها در سرتاسر جهان با آن روبرو هستند. دولتها در مقابل خروج از بانکها و سیستمهای اعتباری و کاهش دخالت خود مقاومت می کنند. از طرف دیگر سیستم بانکداری دولتی تقریباً در هر کشوری که مالکیت دولتی بانکها در آن کشور، فراگیر است، امری خطرناکی است. به هر حال اگر هدف دولت ایجاد اقتصاد کارتر و بازارگراتر باشد، کاهش اثر دولت روی تصمیمهای تخصیص اعتبار خیلی مهم است (مگینسون، ۲۰۰۵).

بانکها در جای خود به واسطه نقش کلیدی که در اقتصاد به عهده دارند، مهم هستند. بر اساس نظریه لوین (۱۹۹۷)، ساختار مالکیت بانکها و نقش بنیادی آنها در اقتصاد ملی، یک متغیر حیاتی در فرایند توسعه مالی و رشد اقتصادی است. وظیفه

بازار رقابتی

شرایط سازمان

بازار غیررقابتی

بازار رقابتی	شرایط سازمان	بازار غیررقابتی
ظرفیت قانونی بالا / بازار دوست	تصمیم: فروش	تصمیم: - اطمینان از محیط قانونی مناسب - سپس فروش
ظرفیت قانونی پایین / بازار گریز	تصمیم: فروش، با توجه به شرایط رقابتی	تصمیم: - توجه به خصوصی سازی با تدابیر مدیریت - بکارگیری محیط مناسب قانونی - سپس فروش

جدول ۱- چارچوب اقتضایی تصمیم گیری برای خصوصی سازی

و دیگران ۲۰۰۵؛ بنین و دیگران ۲۰۰۵؛ بگوویک و دیگران ۲۰۰۰؛ بک و دیگران ۲۰۰۵؛ هاریس ۲۰۰۴؛ چن و دیگران ۲۰۰۵؛ پتی و دیگران ۲۰۰۵).

تغییر ساختار در فرایند خصوصی سازی بانک باید شامل دو نوع تغییر عمده شود (بگوویک و دیگران ۲۰۰۵):

الف - تغییر و تحول در ساختار مالکیت
یک بحث در خصوصی سازی به طور عام و در بانک به طور خاص، امر مالکیت و نظارت بر موسسه است (بویکری و دیگران ۲۰۰۵). صاحب نظران مختلف نیز یکی از مهمترین شاخصهای بهره‌وری بانک را مربوط به ساختار مالکیت آن دانسته‌اند (ناکین و دیگران ۲۰۰۵).

در فرایند خصوصی سازی تمام یا قسمتی از مالکیت و کنترل به بخش خصوصی واگذار می‌شود. آنچه که در این فرایند مهم است واگذاری کنترل و نظارت بر بانک به بخش خصوصی است. نتیجه بررسیها نشان می‌دهد که خصوصی سازی به خودی خود برای افزایش کارایی کافی نیست و آنچه که این فرایند را موفق می‌سازد واگذاری حوزه‌های تصمیم‌گیری و نظارت به بخش خصوصی است. در بررسی که بر روی کارایی گروههای مختلف بانکها (دولتی،

زیرا آنها تمام هزینه‌های چنین عملی را تحمل می‌کنند ولی پادشهای کمی دریافت می‌نمایند. همچنین روشهای انضباطی کمتری برای عملکرد نامطلوب مدیران دولتی وجود دارد.

۳- سیاستمدارانی که فعالیتهای موسسات دولتی را نظارت می‌کنند تعهد قلبی به بهبود عملکرد ضعیف و ورشکست کننده موسسات دولتی ندارند.

۴- همچنین موسسات دولتی از آن جهت ناکارآمد هستند که سیاستمداران آنها را به دنبال کردن اهداف غیر اقتصادی مانند استخدام بیش از حد، تاسیس شعبه در محلهایی که از نظر سیاسی (و نه از نظر اقتصادی) مساعد هستند و قیمت گذاری محصولات در زیر قیمت شفاف بازار، مجبور می‌کنند.

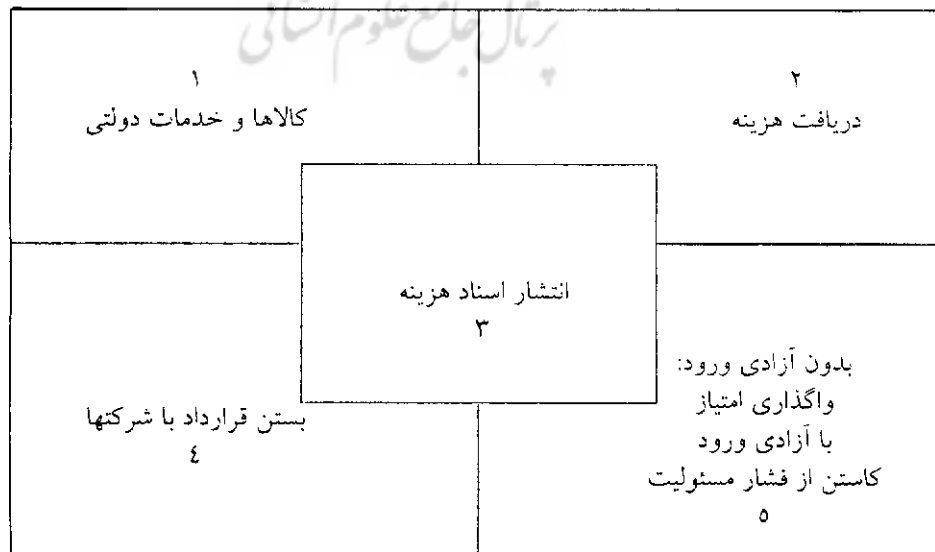
به طور کلی نتیجه پژوهشهای کاربردی درباره ساختار مالکیت بانکها در کشورهای مختلف بر این نکته صحنه می‌گذارد که بانکهای دولتی در مقابل بانکهای خصوصی از نظر کارایی، اثربخشی، قابلیت سودآوری و سود ناخالص، عملکرد، بهره‌وری و به طور کلی رشد اقتصادی به مراتب در سطح پایین تری قرار دارند (بویکری و دیگران ۲۰۰۵؛ مگینسون، ۲۰۰۵؛ ناکین

اصلی بخش بانکداری، تضمین این مسئله است که منابع و اعتبارات مالی به سوی پروژه‌های دارای بهره‌وری و کارآمدی بیشتر هدایت شود که به رشد آینده کمک خواهد کرد. نقش دولت نیز، در سیستم مالی، تضمین این امر است که بانکها از طریق قوانین و مقررات و نظارت دقیق خود، این وظیفه حیاتی را تا حد امکان کارتر انجام دهند. بنابراین عجیب نیست که در کشورهای در حال توسعه بانکهای دارای مالکیت دولتی زیاد است (بویکری و دیگران ۲۰۰۵). اما شواهد زیادی وجود دارد که مالکیت دولتی به طور ذاتی کارایی کمتری نسبت به مالکیت خصوصی دارد. اقتصاددانان چهار دلیل اصلی برای علت این اختلاف ارائه نموده‌اند (مگینسون، ۲۰۰۵):

۱- مدیران سازمانهای دولتی مشوقهای ضعیف‌تر و گهگاه ناسازگارتری نسبت به مدیران شرکتهای خصوصی دارند و بنابراین تلاش نسبتاً کمتری جهت حداکثر نمودن درآمدها و به خصوص حداقل نمودن هزینه‌ها دارند.

۲- موسسات دولتی تحت نظارت شدید صاحبان موسسه قرار نمی‌گیرند. از طرف دیگر ناظران بالقوه نیز مشوقهای کمتری برای نظارت دقیق عملکرد مدیریتی دارند.

تامین مالی و ارائه کالا و خدمات توسط بخش خصوصی



نمودار ۱- اشکال اصلی خصوصی سازی

دارد. مثلاً سطح پایین توانمندی کارکنان در شروع فرایند، روش بالا به پایین را مقدور می‌سازد. در حالی که این روش در جایی که کارکنان قوی تر هستند امکانپذیر نیست (هاریس، ۲۰۰۴).

به‌طور کلی مهم‌ترین عوامل موثر در انتخاب یک روش خاص خصوصی سازی عبارتند از: اهداف دولت، ساختار فعلی شرکت و نوع فعالیت آن، شرایط مالی و عملکرد شرکت، توانایی در بسیج منابع بخش خصوصی، درجه توسعه یافتگی بازار سرمایه، و عوامل اجتماعی (عرب مازار، ۱۳۷۴).

اولویت‌گذاری دولتها در واگذاری بانکها و معیارهایی که باتوجه به آنها، دولتها بانکها را برای خصوصی سازی انتخاب می‌کنند، به قرار زیر هستند (مگنسیون، ۲۰۰۵):

۱- بانکهای با عملکرد ضعیف احتمالاً نسبت به بانکهای با عملکرد خوب در معرض خصوصی سازی بیشتری قرار دارند (مگنسیون، ۲۰۰۵؛ بوبکری و دیگران، ۲۰۰۵؛ بک و دیگران، ۲۰۰۵).

۲- نیروی انسانی مازاد در بانکها، از احتمال خصوصی سازی آنها می‌کاهد. زیرا تقلیل نیروی انسانی، بعد از دوره فروش از نظر سیاسی تاثیر خیلی منفی دارد.

۳- بانکهای بزرگتر احتمال خصوصی شدن کمتری نسبت به بانکهای کوچکتر دارند.

۴- سطح بالای بیکاری و درصد بالاتر سهام کارکنان دولتی از احتساب خصوصی سازی می‌کاهد.

به عبارت دیگر هم عامل اقتصادی و هم سیاسی در تصمیم خصوصی سازی بانکها تاثیر دارند. اما به نظر می‌رسد عامل سیاسی اهمیت خاصی در این روند داشته باشد.

نتیجه‌گیری

به‌طوری که در بخش‌های قبلی تشریح شد خصوصی سازی فرایند سپردن اولویتها به دست مکانیزم بازار و بازارگرا کردن آنها است و هدف اصلی آن در اقتصاد به‌طور عام و در بانک به‌طور خاص، بهبود کارایی است و این هدف زمانی تحقق می‌یابد که فرایند تصمیم‌گیری مالی و همچنین کنترل و نظارت بر موسسه از بخش دولتی

مذاکره، انگیزش، تصمیم‌گیری مشارکتی و هماهنگی بستگی دارد (بروکوپنکو، ۱۳۸۰) و این در نظام سلسله‌مراتبی مدیریت قابل تحقق نیست. بنابراین تغییرات ساختاری در شرکت‌های خصوصی شده الزاماً باید شامل تغییر در ساختار سازمانی و ایجاد ساختارهای افقی، غیرمتمرکز، فرایندی و تیمی که موجب نوآوری، خلاقیت و رقابت هستند، باشد.

دولتها معمولاً از تکنیکهای زیر برای خصوصی سازی بانک استفاده می‌نمایند (مگنسیون، ۲۰۰۵):

۱- فروش دارایی: در روش فروش دارایی، دولت مالکیت موسسات دولتی را به یک شرکت خصوصی موجود یا به یک گروه کوچک از سرمایه‌گذاران می‌فروشد.

۲- خصوصی سازی با انتشار سهام: در این روش، دولت سهام دارایی را در بازار سرمایه دولتی، هم به صورت خرده‌فروشی و هم به شرکت‌های سرمایه‌گذاری خصوصی می‌فروشد. این روش انتشار سهام، بزرگترین و از نظر اقتصادی مهم‌ترین روش خصوصی سازی در بین دیگر روشهاست.

۳- خصوصی سازی به روش ووچر (خصوصی سازی انبوه): این روش شبیه خصوصی سازی از طریق انتشار سهام است. با این تفاوت که در این روش، سهام مالکیت به‌طور گسترده توزیع می‌شود. به هر حال در این روش، دولت اسناد هزینه را به بیشتر شهروندان توزیع می‌کند. بنابراین در این روش نهایتاً دارایی به شهروندان داده می‌شود. اسناد هزینه تا اندازه‌ای مانند سهام هستند که با قیمت خیلی پایین‌تر از سهام عرضه می‌شوند.

۴- خصوصی سازی به روش فروش سهام به مدیریت یا کارکنان: بسیاری از کشورها به منظور انتقال مالکیت بنگاههای دولتی به کارکنان و مدیران، این روش را بکار گرفته‌اند. بدین ترتیب بر مقاومت در برابر خصوصی سازی، غلبه شده و اجرای فرایند تسهیل می‌شود (بروکوپنکو، ۱۳۸۰).

اینکه چه روش خصوصی سازی انتخاب شود عمدتاً یک بحث سیاسی است. اما به جایگاه ذینفعان تاثیر گذار در فرایند اخذ تصمیم برای خصوصی سازی، نیز بستگی

خارجی، خصوصی داخلی و خصوصی شده) انجام گرفت مشخص شد که بانکهای دولتی حداقل کارایی را دارا هستند. بانکهای خارجی کارایی بالایی داشته و بانکهای خصوصی شده نیز متعاقب خصوصی سازی کارایی خود را فوراً بهبود بخشیده‌اند (پتی و دیگران، ۲۰۰۵).

اصلاح ساختار بانک دولتی و نگهداری آن تحت کنترل دولت نمی‌تواند استراتژی خوبی جهت خصوصی سازی باشد و نتایج بهتری را نشان دهد. تحقیقات نشان می‌دهد که پس از تجدید ساختار آنها، بهره‌وری این گروه از بانکها حتی کاهش هم داشته است (کادوس و دیگران، ۱۹۹۸؛ ناکین و دیگران، ۲۰۰۵).

در تحقیق دیگری این نتیجه محقق شده است که خصوصی سازی جزئی، کارایی و بهره‌وری لازم را ندارد و بانکهایی که دولت حداقل سهمی را در آنها داراست عملکرد ضعیف‌تری نسبت به بانکهای کاملاً خصوصی دارند و این نشان‌دهنده این است که مالکیت حداقل دولت نیز به‌طور معنی داری مانع عملکرد مثبت بانکها می‌شود (بک و دیگران، ۲۰۰۵).

همچنان که در اثر خصوصی سازی تغییر عمده‌ای در ساختار مالکیت بوجود می‌آید، مجموعه‌ای از مشوقهایی که روی رفتار مدیریت تاثیر می‌گذارد نیز تکامل پیدا می‌کنند. مالکیت دولت، کنترل مدیریت سهل‌انگارانه انجام می‌شود و مدیریت از فرصتها برای استحکام موقعیت خود استفاده می‌کند. بویژه، مدیران علاقه‌مند هستند بقای موسسه‌ای را که مدیریت می‌نمایند، با نگهداری ریسک ورشستگی در سطح پایین، تضمین کنند. درحالی که خصوصی سازی این رفتار مدیریت را با توجه به نظارت خوب و موثر سهامداران، بویژه باعنايت به سطح قبول ریسک، تغییر می‌دهد (بوبکری و دیگران، ۲۰۰۵).

ب) تغییر و تحول در ساختار کلی بانک به‌طور کلی تعریف نقش و مسئولیتهای دولت به نوبه خود متضمن بازسازی فعالیتها و رویه‌های آن است. در نظام بازار، دولت نمی‌تواند به‌طور موثر از نظام سلسله‌مراتبی مدیریت استفاده کند. کارایی به

Studies Press, Belgrade.

7- Boubakri, N., Cosset, J.C., Fischer, K., Guedhami, O., 2005. Privatization And Bank Performance In Developing Countries, Journal Of Banking & Finance, 29(This Issue).

8- Bonin, J.P., Hasan, I., Wachtel, P., 2005. Privatization Matters: Bank Efficiency In Transition Countries, Journal Of Banking & Finance, 29(This Issue).

9- Chen, Z., Li, D., Moshirian, F., 2005. China's Financial Services Industry : The Intra- Industry Effects Of Privatization Of The Bank Of China HongKong, Journal Of Banking & Finance, 29(This Issue).

10- Doukas, J., Murinde, V., Wihlborg, C., 1998. Financial Sector Reform And Privatization In Transition Economies, 7rd ed., Elserier Science Publishers B.V., North-Holland.

11- Donaldson, D.J., Wagle, D.M., 1995. Privatization: Principles And Practices, 1rd ed, The World Bank, Washington, D.C.

12- Harris, M., 2004. The Privatization Experience In Transition Countries : Focus On Central And Eastern Europe, Journal Of Economic Literature, 43, 321-336.

13- Lewis, R., 1996. Recent Controversies In Political Economy, 3 rd ed., The Institute Of Economic Affairs, London.

14- Megginson, W.L., 2005. The Economic Of Bank Privatization, Journal Of Banking & Finance, 29(This Issue).

15- Nakane, M.I., Weintraub, D., B., 2005. Bank Privatization And Productivity : Evidence For Brazil. Journal Of Banking & Finance, 29(This Issue).

16- Nowotny, E., 1999. Privatization, Deregulation, Reregulation Experience And Policy Issues In Austria, Annals Of Public And Cooperative Economics, 67, 387-401.

17- Patti, E.B., Hardy, D.C., 2005. Financial Sector Liberalization, Bank Privatization, And Efficiency : Evidence From Pakistan, Journal Of Banking & Finance, 29 (This Issue).

18- Prizzia, R., 2001. Privatization And Social Responsibility: A Critical Evaluation Of Economic Performance, The International Journal Of Public Sector Management, 6, 450-464.

19- Pryor, F.I., 2002. Quantitative Notes On The Extent Of Governmental Regulation In Various OECD Nations, International Journal Of Industrial Organization, 20, 693-714.

سازی است).

۴ - کنترل و نظارت بر رفتاربانکهای واگذارشده برای اطمینان از ادامه حفظ اشتغال و عملیات سرمایه گذاری در آنها.

۵- کم رنگ کردن نقش دولت و فعالیتهای تصمیم گیری و کنترلی آن و واگذاری این نوع فعالیتهای بخش خصوصی.

۶- تدریجی و آرام اجرا نمودن خصوصی سازی در بانک. زیرا تجربه کشورها نشان می دهد که در این زمینه عجله و شتاب جایز نیست.

۷- تعیین روشهای مناسب خصوصی سازی؛ مطابق با اهداف ملی و راهبردهای کلان اقتصادی (ترکیبی از روش انتشار سهام و فروش داراییها به سرمایه گذاران خارجی و کارکنان بانک خصوصی شونده پیشنهاد می شود).

۸- وضع قوانین جدید و حذف بوروکراسی در سازمان بورس اوراق بهادار.

۹- با عنایت به اینکه خصوصی سازی تنها واگذاری سهام شرکتهای دولتی نیست بلکه فضا سازی برای حضور و مشارکت مردم در پهنه اقتصاد است، بنابراین دولت باید در کنار واگذاری سهام بانکها و انتقال آنها به صاحبان اصلی آن (مردم)، به آماده سازی فرهنگ و زمینه های افزایش نقش مردم و اعطای اختیارات و مسؤلیتهای آنها بپردازد.

منابع و مأخذ

- ۱- بهکیش، محمد مهدی، ۱۳۸۱، اقتصاد ایران در یسترجهانی شدن، تهران، انتشارات نشر نی.
- ۲- پرکوپنکو، ژوزف، ۱۳۸۰، مدیریت خصوصی سازی، ترجمه حسین اکبری، دردانه داوری، نشر آتا.
- ۳- خصوصی سازی و تاثیر آن بر اشتغال، دکتر علی اکبر عرب مازار، مجله اقتصاد ومدیریت، سال ۱۳۷۴.
- ۴- خصوصی سازی، ولی افتاد مشکله، کریستوفر مکاین تاش، ترجمه مهدی عطاء الهی، مجله تدبیر، ۱۳۷۸.

5- Beck, T., Cull, R., Jerome, A., 2005. Bank Privatization And Performance: Empirical Evidence From Nigeria, Journal Of Banking & Finance, 29(This Issue).

6- Begovic, B., Mijatovic, B., Zivokovic, B., 2000. The New Model Of Privatization In Serbia, Center For Liberal Democratic

به بخش خصوصی واگذار شود و دولت حداقل سهامدار موسسه و نقش انفعالی داشته باشد و در غیر این صورت اصلاحات جزئی و بازسازی وضعیت فعلی موسسه تحت مالکیت دولت منجر به نتیجه بهینه نمی شود.

بنابراین تغییر ساختار مالکیت و ساختار نظارت و کنترل برای موفقیت فرایند خصوصی سازی ضروری است. به موازات تغییر ساختار مالکیت و واگذاری موسسه به بخش خصوصی، انجام اصلاحات در ساختار سازمانی، نیروی انسانی و قوانین ومقررات بانکی امری بدیهی است که مسئله رقابت بعد از بازارگر کردن موسسه و توانایی رقابت در محیط متلاطم و رقابتی تسریع کننده این تغییرات هستند. همچنین کاهش وجابجایی نیرو و افزایش بیکاری و تورم، بدون توجه به محیط داخلی سازمان، از جمله پیامدهای محتمل خصوصی سازی در کوتاه مدت است.

در بحث انتخاب روش خصوصی سازی علاوه بر جنبه سیاسی، که عمدتاً پدیده غالب است، مسائل دیگری از جمله توانایی و تخصص کارکنان، قدرت مالی موسسه، اهداف دولت، ساختار فعلی شرکت و نوع فعالیت آن، درجه توسعه یافتگی بازار سرمایه، وعوامل اجتماعی مهم هستند. نهایتاً خصوصی سازی هدف نیست بلکه ابزاری جهت رسیدن به هدف (کارایی اقتصادی) است.

پیشنهادها

برای اجرای موفق فرایند خصوصی سازی در نظام بانکی کشور موارد زیر پیشنهاد می شود:

- ۱- ایجاد فضای حمایتی لازم برای حضور بخش خصوصی در اقتصاد
- ۲- گرفتن الزامات و تعهدات مورد نیاز از بخش خصوصی برای رعایت سطح قابل قبولی از وظایف و مسؤلیتهای.
- ۳- تقویت و گسترش بازار سرمایه و تسهیل سرمایه گذاری خارجی و جلب مشارکت منابع مالی خارجی برای تسریع امر خصوصی سازی (جلب سرمایه های خارجی یکی از مهم ترین مسائل خصوصی

• صمد مطلبی اصل

دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه تهران و کارشناس بانک سپه- اداره تشکیلات و روشها